

بررسی و نقد درسنامه «آموزش زبان‌های خارجی»

کاوه بهرامی*

چکیده

درسنامه آموزش زبان‌های خارجی شامل ۱۴۰ مقاله از مدرسان و پژوهشگران دانشگاه‌های جهان در رشته آموزش زبان‌های خارجی است. در این اثر، جدیدترین موضوعات و مباحث مربوط به رشته آموزش زبان خارجی، به ویژه در حوزه آموزش زبان آلمانی به غیر آلمانی‌زبان‌ها، تا سال انتشار کتاب (۲۰۰۷) مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته است. کتاب حاضر که موضوعات بسیار متنوعی را در برمی‌گیرد، می‌تواند در مقطع تحصیلات تکمیلی در رشته‌های زبان و ادبیات آلمانی و آموزش زبان آلمانی در دانشگاه‌های ایران مورد استفاده استادان و دانشجویان این رشته قرار گیرد. با این حال نکاتی درباره جنبه‌های ظاهری، ساختاری و محتوایی این اثر قابل ذکر است. در نقد و بررسی حاضر سعی بر آن است تا نکات قوت و ضعف این کتاب به مخاطبان نشان داده شود. نتایج این پژوهش می‌تواند مدرسان رشته آموزش زبان آلمانی در ایران را با ابعاد و موضوعات جدید در روش تدریس زبان آلمانی آشنا کند.

کلیدواژه‌ها: آموزش زبان، زبان آلمانی، یادگیری زبان‌های خارجی، روش تحقیق

۱. مقدمه

کتاب آموزش زبان‌های خارجی (Handbuch Fremdsprachenunterricht)، درسنامه‌ای است که توسط کارل ریچارد بائوش (Karl-Richard Bausch)، هربرت کریست (Herbert Christ) و هانس یورگن کروم (Hans-Jürgen Krumm) گردآوری شده است.

* استادیار گروه آموزشی زبان و ادبیات آلمانی، دانشگاه شهید بهشتی K_Bahrami@sbu.ac.ir

هر سه گردآورنده این اثر از استادان رشته آموزش زبان‌های خارجی در دانشگاه‌های آلمان و اتریش هستند. ریچارد بائوش، استاد رشته آموزش زبان در دانشگاه بوخوم آلمان است. هربرت کریست، استاد بازنشسته رشته آموزش زبان فرانسه در دانشگاه گیسن آلمان است و هانس یورگن کروم از استاد‌های برجسته آموزش زبان آلمانی است که در دانشگاه وین به تدریس و پژوهش مشغول است. از این نویسندگان آثار متعددی تاکنون در حوزه آموزش زبان آلمانی به چاپ رسیده است. این آثار در قالب کتاب و یا مجموعه‌ای از مقالات تخصصی در سمینارهای مختلف طی سال‌های گذشته منتشر شده است که در فهرست منابع این جستار به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود.

درسنامه آموزش زبان‌های خارجی، نخستین بار در سال ۱۹۸۹ میلادی منتشر شد و تاکنون شش بار تجدید چاپ شده است. با انتشار اولین نسخه از این اثر در بیش از ۲۵ سال پیش، برای نخستین بار مجموعه‌ای نسبتاً جامع از مباحث علمی مربوط به آموزش زبان در آلمان در اختیار علاقه‌مندان به این حوزه قرار گرفت. گردآورندگان این اثر با توجه به تغییرات سیاسی و اجتماعی که در همان سال‌ها در آلمان رخ داد، از جمله وحدت مجدد کشور و فروپاشی نظام سیاسی آلمان شرقی، پرسش‌های جدیدی را چه در عرصه مباحث تئوری آموزش زبان خارجی و چه در زمینه تدریس عملی آن پیش روی خود می‌دیدند. این تحولات سبب شد تا نخست در سال ۱۹۹۱ این کتاب بدون تغییرات و پس از آن در سال ۱۹۹۵، با تغییراتی تازه تجدید چاپ شود. تعداد مقاله‌ها در چاپ سوم (۱۹۹۵) افزایش یافت و دامنه موضوعات مورد بحث، گستردگی بیشتری به خود گرفت. اثر حاضر همچنین در سال ۲۰۰۳ با تغییراتی کلی به چاپ چهارم رسید.

نقد و بررسی حاضر، چاپ پنجم این درسنامه را که در سال ۲۰۰۷ میلادی منتشر شده است، شامل می‌شود. این کتاب، ۱۴۰ مقاله در موضوعات متنوع آموزش زبان‌های خارجی را در بر می‌گیرد و طی چند دهه‌ی گذشته به یکی از آثار مرجع در حوزه آموزش زبان در کشور آلمان تبدیل شده است. در چاپ پنجم این اثر سعی شده تا وضعیت آموزش زبان‌های خارجی در سایر کشورهای آلمانی‌زبان از جمله اتریش و سوییس نیز مورد توجه قرار گیرد. درسنامه آموزش زبان‌های خارجی پانزده فصل دارد. این اثر در ۶۵۵ صفحه و توسط انتشارات A. Franke UTB در شهر توپینگن آلمان منتشر شده است.

مقالات این کتاب می‌توانند به عنوان منبع درسی در رشته‌های زبان و ادبیات آلمانی و آموزش زبان آلمانی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری مورد استفاده دانشجویان و پژوهشگران قرار گیرند. از جمله واحدهای درسی در دانشگاه‌های ایران که با این اثر مرتبط هستند، می‌توان به این موارد اشاره کرد: درآمدی بر مسائل آموزش زبان، روش تدریس، تدریس عملی، روش تحقیق در زبان‌های خارجی، آزمون‌سازی، بررسی کتب آموزشی، مطالعات ترجمه، سیاست‌های زبانی و تجزیه و تحلیل خطا.

گفتنی است درسنامه آموزش زبان‌های خارجی اخیراً در سال ۲۰۱۶ از سوی گروهی از اعضای جدید و قدیمی گردآورندگان این اثر، در ۷۱۶ صفحه منتشر شده است. در آخرین چاپ کتاب، تازه‌ترین تحولات در رشته آموزش زبان‌های خارجی در نظر گرفته شده است. از این جمله‌اند، موضوعاتی نظیر جهانی‌شدن، مهاجرت و چندزبانگی. در بین گردآورندگان نسخه جدید کتاب نام این پژوهشگران قرار دارد: کلاودیا ریمر (Claudia Riemer)، استاد رشته آموزش زبان آلمانی در دانشگاه بیلده‌فلد آلمان. افا بورویتس ملزر (Eva Burwitz-Melzer)، استاد رشته آموزش زبان و ادبیات انگلیسی در دانشگاه گیسن آلمان. و همچنین گریت ملهورم (Grit Mehlhorn)، استاد رشته آموزش زبان‌های اسلاوی در موسسه زبان‌های اسلاوی در دانشگاه لایپزیگ آلمان.

۲. بحث و بررسی

۲-۱. ارزیابی ظاهری و ساختاری

درسنامه آموزش زبان‌های خارجی دارای پیشگفتاری مجزا مربوط به آخرین نسخه کتاب و پیشگفتارهای چاپ‌های دوره‌های پیشین کتاب، همچنین مقدمه کلی، فهرست اجمالی مطالب، جدول و نمودار است. علاوه بر این بخش‌ها، در پایان کتاب، نمایه موضوعات، نمایه نویسندگان همراه با مشخصات و نحوه تماس با هریک از نویسندگان مقالات کتاب درج شده است. هریک از مقالات کتاب دارای مقدمه، متن اصلی و نتیجه‌گیری است. در پایان هر مقاله به طور جداگانه فهرست منابع مربوط به همان مقاله نیز دیده می‌شود.

شاید بتوان یکی از نقص‌های کتاب حاضر را عدم ارائه مباحث مقدماتی در آغاز هر فصل عنوان کرد. هریک از فصل‌ها بدون مقدمه و زمینه‌سازی برای خواندن مطالب آن فصل، با یکی از مقالات اصلی آن شروع می‌شود که از جمله کاستی‌های این اثر به شمار می‌آید. این مورد شامل نتیجه‌گیری نیز می‌شود. به طوری که در پایان هر فصل از

کتاب که شامل چندین مقاله با موضوعات مربوط به آن فصل است، هیچ نتیجه‌گیری، جمع‌بندی و یا خلاصه‌ای از مطالب آن فصل ارائه نمی‌شود. در مورد سایر ابزارها از جمله جدول، تصویر، اشکال و نمودار باید به این نکته اشاره کرد که در بین ۱۴۰ مقاله حاضر تنها در کمتر از ده مقاله از ابزارهایی مانند جدول و تمرین برای آموزش و تفهیم موضوع استفاده شده است. شاید یکی از دلایل این امر به این نکته باز گردد که مقالات حاضر بیشتر بر جنبه تئوریک تاکید دارند تا آموزشی.

۲-۱-۱. قواعد نگارش و ویرایش

طرح جلد کتاب بسیار ساده و در عین حال منطبق با کتاب‌های مرجع قابل ارزیابی است. از سوی دیگر، حروف‌نگاری اثر حاضر نقص‌هایی دارد که در این جا بدان اشاره می‌کنیم. نخست آن‌که حروف با قلم بسیار ریز چاپ شده‌اند، به طوری که خواننده برای مطالعه کتاب به زحمت می‌افتد. علاوه بر این، متن مقالات در هر صفحه در دو ستون آمده است که این خود نیز به دشواری خواندن مطالب می‌افزاید. شاید دلیل این فشردگی مطالب، تعداد بالای مقالات ارائه شده برای این درسنامه و حجم زیاد آن است. اما پرسشی که می‌توان طرح کرد این است که چرا اثر حاضر همانند درسنامه آموزش زبان آلمانی به عنوان زبان خارجی (Deutsch als Fremdsprache) و زبان دوم (Deutsch als Zweitsprache) در دو جلد به چاپ نرسیده است؟

از سوی دیگر، باید به این نکته نیز اشاره کنیم که اثر حاضر توسط استادان و متخصصان برجسته آموزش زبان‌های خارجی به ویژه در کشورهای آلمانی‌زبان نوشته شده است. از همین رو، زبان کتاب، آلمانی است و ایرادی به سبک ویرایش و نگارش آن وارد نیست. علاوه بر این، نثر کتاب بسیار علمی و تخصصی است و فهم آن برای خوانندگان غیر مطلع از مباحث آموزش زبان دشوار خواهد بود. حتی بعید به نظر می‌رسد که دنبال کردن موضوعات این کتاب بدون کمک استاد برای دانشجویان رشته آموزش زبان آلمانی نیز مقدور باشد. از آنجا که توضیحی برای اصطلاحات تخصصی به کار رفته در مقالات ارائه نشده است، مطالعه آن برای دانشجویان ایرانی رشته آموزش زبان آلمانی در دانشگاه‌های ایران نیز دشوار خواهد بود. هرچند مخاطبان اثر حاضر دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی و مدرسان زبان آلمانی هستند، اما توضیحات تکمیلی و تعریف واژگان تخصصی می‌توانست مخاطبان را برای مطالعه عمیق‌تر و فهم بهتر موضوعات کتاب یاری رساند. البته با همین استدلال می‌توان نتیجه

گرفت که به دلیل محدود بودن مخاطبان کتاب، نویسندگان و گردآورندگان مطالب آن، فرض را بر آشنایی خوانندگان با موضوعات گذاشته‌اند که باید اذعان داشت این جنبه از موضوع نیز قابل درک است.

۲-۱-۲. انسجام و نظم منطقی

پیش از آنکه به موضوع انسجام و نظم مطالب کتاب بپردازیم، مروری خواهیم داشت بر برخی از عناوین مقاله‌های مندرج در این نسخه از کتاب. در فصل نخست کتاب (A) تحت عنوان "آموزش و یادگیری زبان‌های خارجی، موضوع علوم" به این مطالب پرداخته شده است: آموزش زبان‌های خارجی، زبان‌شناسی، رده‌شناسی زبان، زبان‌شناسی کاربردی، مطالعات نحوه یادگیری زبان دوم، تعلیم و تربیت، تئوری‌ها و روان‌شناسی یادگیری، ادبیات، فرهنگ و کشورشناسی و همچنین علوم ترجمه. در فصل دوم کتاب (B) تحت عنوان "جنبه‌های سیاسی و بنیادی آموزش و یادگیری زبان‌های خارجی" این موضوعات مطرح می‌شوند: برنامه‌ریزی‌های دولتی برای آموزش زبان خارجی، آموزش زبان خارجی در مدارس کشورهای آلمانی‌زبان، آموزش زبان خارجی به بزرگسالان، آموزش‌های بین‌فرهنگی و سیاست‌های زبانی. در فصل سوم کتاب (C) با عنوان "برنامه‌ریزی آموزشی در زبان‌های خارجی" این مطالب را می‌خوانیم: نقش برنامه‌ریزی آموزشی، اهداف آموزش و یادگیری، برنامه‌ریزی‌های آموزشی با تکیه بر موضوعاتی نظیر کشورشناسی، ادبیات و ارتباطات بین‌فرهنگی. فصل چهارم کتاب (D) موضوع "جنبه‌های کلی و اساسی آموزش زبان‌های خارجی" را در خود جای داده است. به طور نمونه به این موضوعات اشاره می‌کنیم: آموزش زبان مادری و زبان خارجی، آموزش زبان دوم، آموزش زبان تخصصی، آموزش زبان خارجی برای کار، آموزش و یادگیری دو زبان، آموزش زبان خارجی از طریق رسانه و آموزش زبان خارجی از راه دور. در فصل پنجم کتاب (E) با موضوع "جنبه‌های روش‌شناختی آموزش و یادگیری زبان‌های خارجی" این مطالب گنجانده شده است: روش‌های آموزش، تعامل در یادگیری زبان، آموزش گروهی، انفرادی، آموزش از طریق بازی‌ها، آموزش از طریق ایمیل و اینترنت، تمرین تلفظ، تمرین لغت، تمرین دستور زبان، تمرین درک مفهوم متن، تمرین نگارش، تمرین شنیداری، تمرین گفتاری و تمرین خلاقیت. در فصل ششم اثر حاضر (F) با موضوع "حمایت از خودآموزی زبان" این عناوین جای گرفته‌اند: خودآموزی زبان، روش‌ها و سبک‌های یادگیری، راهبردهای

یادگیری و تکنیک‌های یادگیری. "جنبه‌های پرسنلی یادگیری زبان‌های خارجی" موضوع فصل هفتم (G) اثر حاضر است که در آن به این موضوعات پرداخته می‌شود: زبان‌آموزان، معلمان زبان‌های خارجی و دستیاران آموزشی زبان‌های خارجی. در فصل هشتم (H) به موضوع "میزان توانایی و سنجش موفقیت زبان‌آموزان" پرداخته شده است: انواع سنجش میزان موفقیت، آزمون و ارزیابی، تحلیل خطا، مدارک پایان دوره-های آموزشی و تضمین کیفیت و توسعه آموزش. در فصل نهم از کتاب (I) به موضوع ابزارهای آموزشی و یادگیری زبان و همچنین رسانه اختصاص داده شده است: کتاب-های آموزشی، لغت‌نامه‌ها، کتاب‌های دستور زبان، کتاب‌های کمک‌آموزشی برای خودآموزی، رسانه‌های شنیداری، رسانه‌های دیداری و یادگیری از طریق برنامه‌های رایانه. "انواع یادگیری زبان‌های خارجی" موضوع فصل دهم کتاب (J) است. در این بخش این مطالب را می‌خوانیم: تمایز میان یادگیری آگاهانه و یادگیری ناآگاهانه، دوزبانگی و چندزبانگی، یادگیری زبان‌های خارجی پیش از دوران مدرسه، یادگیری نخستین زبان خارجی در مدرسه و یادگیری زبان خارجی در بزرگسالی. فصل یازدهم اثر حاضر (K) به موضوع "دوره‌های آموزشی برای معلمان زبان‌های خارجی" می‌پردازد. در این بخش موضوعاتی نظیر آموزش معلمان زبان‌های خارجی در دانشگاه‌ها و آموزش معلمان زبان‌های خارجی در مرحله دوم گنجانده شده است. در فصل دوازدهم (L) به موضوع روش‌های تحقیق در زبان‌های خارجی اختصاص یافته است که هر دو مقاله مندرج در این بخش با عناوینی نزدیک به همین موضوع انتخاب شده‌اند. فصل سیزدهم کتاب (M) به "زبان‌های خارجی که در مدارس کشورهای آلمانی‌زبان تدریس می‌شوند" می‌پردازد. از جمله این زبان‌ها که برای هر یک مقاله‌ای جداگانه در نظر گرفته شده است، می‌توان به این موارد اشاره کرد: عربی، چینی، دانمارکی، آلمانی به عنوان زبان خارجی، آلمانی به عنوان زبان دوم، انگلیسی، فرانسوی، ایتالیایی، ژاپنی، یونانی، هلندی، روسی، سوئدی، اسپانیایی، چکی، ترکی و مجاری. "برنامه‌های حمایتی در ارتباط با آموزش و یادگیری زبان‌های خارجی" موضوع فصل چهاردهم کتاب (N) است. در این بخش مقالاتی با عنوان‌های ذیل گنجانده شده است: برنامه‌ریزی‌ها در اروپا برای یادگیری زبان خارجی، کانون تخصصی معلمان زبان‌های خارجی، مجلات تخصصی در زمینه آموزش زبان خارجی، نمایندگی موسسات فرهنگی کشورهای خارجی در کشورهای آلمانی‌زبان و مدارس وابسته به کشورهای آلمانی‌زبان در خارج. در فصل پایانی کتاب (O) به موضوع "تاریخچه آموزش زبان‌های خارجی" پرداخته

شده است. موضوعات این بخش عبارتند از: تاریخچه آموزش زبان خارجی تا سال ۱۹۴۵ و تاریخچه آموزش زبان خارجی در کشورهای آلمانی زبان از سال ۱۹۴۵. پس از این مقدمه درباره موضوعات مقالات کتاب به بحث انسجام و نظم منطقی مطالب کتاب می پردازیم. ترتیب فصل ها در کتاب حاضر تاحدی ناهمگون است و ظاهرا از نظام منطقی خاصی پیروی نمی کند. همچنین ارتباطی میان نحوه چینش فصل های کتاب با موضوع اصلی کتاب دیده نمی شود. فصل های L (روش های تحقیق)، M (زبان های خارجی که در مدارس کشورهای آلمانی زبان فراگرفته می شوند) و O (تاریخچه تدریس زبان خارجی) که در آنها همان طور که از عنوان فصل ها پیداست، به موضوعاتی نظیر تاریخچه تدریس زبان خارجی و روش های تحقیق در آموزش زبان مربوط می شود، در پایان کتاب جای گرفته اند (از ص ۴۹۰ به بعد). اگر این فصول در بخش های ابتدایی کتاب قرار می گرفت، اثر حاضر از دید دانشجویان ایرانی نظمی آشناتر به خود می گرفت. با وجود این، زیرعنوان های هر فصل با موضوع آن فصل تناسب دارد.

از نکات مثبت اثر حاضر باید به این نکته اشاره کرد که فصل E کتاب با عنوان «ابعاد روش شناختی آموزش و یادگیری زبان های خارجی» با سرفصل مصوب وزارت علوم برای واحد درسی «روش تدریس» در رشته آموزش زبان آلمانی در مقطع کارشناسی ارشد تطابق کامل دارد. مقالات این فصل علاوه بر آشنا کردن خواننده با روش های متنوع تدریس زبان های خارجی در دهه های گذشته، برخی از جدیدترین روش ها و همچنین موضوعات مورد بحث در این حوزه را به مخاطب معرفی می کنند (ر.ک اکسل فیلائو: ۲۳۸/ مقاله شماره ۴۲).

همچنین فصل I با عنوان «ابزارهای یادگیری و آموزش زبان های خارجی و رسانه در تدریس زبان» می تواند در تدریس واحد «بررسی کتب آموزشی» مورد استفاده قرار گیرد. در این فصل به ابزارهای مختلفی که امروزه در آموزش و یادگیری زبان های خارجی به خدمت گرفته می شوند، اشاره می شود و نحوه به کارگیری آنها در محیط آموزشی و کلاس درس به خوانندگان نشان داده می شود. رسانه های سمعی، بصری، رایانه، رسانه های یادگیری خودآموز، اینترنت، لغت نامه ها، کتب آموزشی و دستور زبان از جمله ابزارهای مورد بحث در این بخش است که هر یک در قالب مقاله ای جداگانه در اختیار خوانندگان قرار گرفته است (مقاله های شماره ۸۵ تا ۹۵ از ص ۳۹۵ تا ۴۳۵). مطالب این فصل نیز با سرفصل های مصوب وزارت علوم انطباق دارد.

فصل J. با عنوان «انواع مدل‌های یادگیری زبان خارجی» نیز منطبق با سرفصل مصوب وزارت علوم برای واحد «درآمدی بر مسائل آموزش زبان» در رشته یادشده است. در این فصل به انواع روندهای یادگیری زبان خارجی در محیط‌های آموزشی گوناگون، زبان دوم و چندزبانگی، یادگیری زبان دوم در میان کودکان، یادگیری زبان‌های خارجی پیش از دوران مدرسه و طی دوران تحصیل، همچنین یادگیری زبان خارجی در میان گروه‌های سنی بزرگسال پرداخته می‌شود (مقاله‌های شماره ۹۶ تا ۱۰۳ از ص ۴۳۵ تا ۴۷۵).

از سوی دیگر، باید به این نکته نیز اشاره کرد که کتاب حاضر از مجموعه‌ای از مقالات تشکیل شده است و مطالعه مستقل هر یک از مقالات در درون یک فصل نیز ممکن است و از همین رو ترتیب و چینش مقالات در درون فصل اهمیت چندانی ندارد. منابع علمی ذکر شده در حوزه تخصصی زبان آلمانی و آموزش زبان آلمانی از هر جهت معتبر است. علاوه بر این، با توجه به سال نشر اثر (۲۰۰۷) به روز بودن منابع قابل مشاهده و استناد است. نویسندگان مقالات درسنامه آموزش زبان‌های خارجی در استنادات و ارجاعات نهایت دقت و وسواس را به خرج داده‌اند. علاوه بر این، در این اثر بی‌طرفی علمی رعایت شده و در عین حال از هیچ منبعی بدون ذکر مأخذ استفاده نشده است. در مجموع می‌توان گفت که مطالب و ساختار کتاب از یکپارچگی و انسجام کافی برخوردار است.

۲-۲. ارزیابی محتوایی

اثر حاضر در بحث آموزش زبان، جدیدترین مباحث تا سال ۲۰۰۷ را در بر می‌گیرد و به دلیل مشارکت نویسندگان و صاحب‌نظران متعدد در آن (بیش از ۱۲۰ پژوهشگر) و پوشش موضوعات متنوع در حوزه آموزش زبان (آلمانی) از عهده رسیدن به اهداف اعلام شده در مقدمه کتاب به خوبی بر آمده است.

۲-۲-۱. اشکالات محتوایی

اما یکی از ضعف‌های اثر حاضر به روز نکردن برخی از مقالات در پنجمین چاپ کتاب است. از جمله می‌توان به مقاله شماره ۲ به قلم بائوش، کریست و کروم (ص ۹ تا ۱۹) و همچنین مقاله شماره ۳ از رودیگر تسیرمن (ص ۱۹ تا ۲۵) اشاره کرد. در هر دوی این مقاله‌ها نویسندگان، بخش‌های قدیمی مقاله را که در چاپ‌های گذشته کتاب

موجود بوده است، در قسمت «وضعیت امروز» آورده‌اند، بی‌آنکه محتوای آن را به-روزرسانی کنند. نکته دیگری که در مورد اثر حاضر قابل ذکر است، توجه و تمرکز ویژه به وضعیت آموزش زبان در آلمان است. تنها در برخی از مقاله‌ها به وضعیت آموزش زبان‌های خارجی در سایر کشورهای آلمانی‌زبان اشاره‌ای جزئی شده است. نمونه این وضعیت را می‌توان در مقاله شماره ۱۵ به قلم بریتا هوف‌آیزن (Britta Hufeisen) (ص ۹۲ تا ۹۶) مشاهده کرد. چنانچه در مقاله‌های این درسنامه وضعیت آموزش زبان‌های خارجی در سایر کشورهای اروپایی نیز مطرح می‌شد، اثر حاضر غنای بیشتری می‌یافت.

نقص دیگری که در این فصل و به ویژه در مقاله شماره ۱۰۲ (ص ۴۶۴ تا ۴۷۰) از یورگن کوئتس (Jürgen Quetz) به چشم می‌خورد، عدم مقایسه زبان‌آموزان بزرگسال با زبان‌آموزان کودک، به عنوان موضوعی مجزا است. کلاودیا ریمر (Claudia Riemer) (۲۰۰۲: ۷۲) در مقاله خود زیر عنوان «چگونه زبان‌ها را فرا می‌گیریم؟» به همین موضوع پرداخته است و از جمله مزیت‌هایی را که بزرگسالان به هنگام یادگیری زبان خارجی به واسطه سن بیشتر از آن برخوردار هستند را نشان داده است. زبان‌آموزان بزرگسال با توجه به قدرت درک و تحلیل در مقایسه با کودکان می‌توانند در مراحل از یادگیری زبان موفق‌تر از کودکان باشند. یادگیری بهتر مباحث مربوط به دستور زبان از جمله همین موارد است که در مقاله ذکر شده تنها اشاره به آن شده است. از سوی دیگر، باید به این نکته نیز اشاره کرد که مقالات ارائه شده در این کتاب بیشتر جنبهٔ تئوریک دارند تا عملی. با این حال اغلب مقالات به‌جز مقالاتی که به جنبه‌های تاریخی موضوعات می‌پردازند، در رد و یا تأیید نظریه‌ای علمی نگاشته شده‌اند و به لحاظ انطباق موضوعی کاملاً در خور توجه هستند.

از جمله نکات ارزنده و قابل توجه در اثر حاضر می‌توان به این موارد اشاره کرد: در فصل F از درسنامه با عنوان «حمایت و پشتیبانی از روش‌های یادگیری منظم زبان» به موضوعاتی نظیر خودآموزی در زبان و انواع زبان‌آموزان از بعد شخصیتی پرداخته شده است که در نوع خود موضوعی جدید در بحث آموزش زبان آلمانی تلقی می‌شود. در این بخش همچنین سبک‌های مختلف یادگیری، استراتژی‌های یادگیری زبان، آگاهی زبانی و تکنیک‌های یادگیری زبان خارجی در مقالات مجزا مورد بحث قرار گرفته است (مقاله‌های شماره ۶۷ تا ۷۲ از ص ۳۲۱ تا ۳۴۷). علاوه بر این، نحوهٔ یادگیری زبان

خارجی در میان زبان‌آموزان بزرگسال که در فصل J به آن اشاره شده است، از جمله موضوعات جدید و به روز در حوزه آموزش زبان آلمانی است. همان‌طور که پیشتر گفته شد، عنوان اثر حاضر درسنامه آموزش زبان خارجی است. از همین‌رو، در فصول O و F به تاریخچه تدریس و آموزش زبان آلمانی پرداخته شده است. در فصل E همان‌طور که از عنوان آن بر می‌آید به روش‌های آموزش زبان خارجی پرداخته شده است. فصول F، G، H، I و M به موضوعاتی همچون نظریه‌های آموزش زبان، تحلیل خطا، نقش ابعاد شخصیتی در آموزش و یادگیری زبان‌های خارجی، آزمون‌سازی، مدارک زبان، سنجش توانایی، کنترل میزان موفقیت در یادگیری زبان، نحوه آموزش زبان‌های خارجی در مدارس کشورهای آلمانی‌زبان، زبان‌آموزان، مدرسان زبان‌های خارجی و دستیاران آموزشی می‌پردازند که با فهرست و عناوین مطرح شده انطباق کامل دارد. مقالات کتاب به ویژه در فصل E3 با عنوان «تمرین‌ها» می‌توانند برای بررسی و پژوهش درباره کیفیت کتب درسی آموزش زبان آلمانی علاوه بر واحدهای درسی، در پایان‌نامه‌نویسی نیز به عنوان منبعی مهم مورد استفاده قرار گیرد. مقاله‌های این (شماره ۵۴ تا ۶۶ از ص ۲۷۷ تا ۳۲۱) بخش با موضوعاتی نظیر تمرین برای تلفظ، یادگیری واژگان، دستور زبان، درک و فهم متن، نگارش، شنوایی و تمرین مکالمه بسیار در خور توجه هستند.

۲-۲-۲. نوآوری و روزآمدی

محتوای موضوعات در این درسنامه به روز و جدید است، اما یکی از موضوعات مطرح در آموزش زبان، بحث وجود تفاوت‌های فردی (Individual differences) در یادگیری زبان خارجی است که در این درسنامه به آن اشاره‌ای نشده است. برای روشن ساختن اهمیت این موضوع لازم است قدری در مورد آن توضیح دهیم. در روند یادگیری زبان خارجی به مجموعه‌ای از عوامل شناختی (استعداد یادگیری زبان، آمادگی خطر کردن، همدلی، برون‌گرایی/درون‌گرایی)، عوامل بیولوژیک (سن و جنسیت)، عوامل شخصیتی (نگرش، اضطراب، انگیزه) و عوامل اجتماعی که می‌توانند تأثیری مثبت و یا در مواردی منفی بر زبان‌آموز داشته باشند، تفاوت‌های فردی گفته می‌شود (بهرامی، ۱۳۹۲: ۲۶). امروزه پژوهشگرانی همانند کلاودیا ریمر، استاد رشته آموزش زبان آلمانی در دانشگاه بیله فلد آلمان، پس از انجام تحقیقات جامع به این نتیجه رسیده‌اند که این عوامل غیرزبانی تأثیری مستقیم بر یکدیگر دارند و می‌توانند

روند یادگیری زبان خارجی را تغییر دهند. به طور نمونه به این موضوع اشاره می‌شود که آیا اضطراب الزاما تأثیری منفی بر نحوه یادگیری زبان دارد؟ و یا اینکه می‌توان گفت میزان کمی از اضطراب حتی تقویت‌کننده انگیزه زبان‌آموز و در نهایت سبب پیشرفت در یادگیری خواهد شد. ریمر (۲۰۰۶) همچنین فرضیه تکرو (Einzelgängerhypothese) را مطرح می‌کند که بر اساس آن یادگیری زبان خارجی یک روند فردی و پیچیده معرفی می‌شود. از همین رو یادگیری زبان خارجی در بین زبان-آموزان به شکلی یکسان صورت نمی‌پذیرد.

یکی از موضوعات مهم در حوزه تفاوت‌های فردی، میزان و نوع انگیزه زبان‌آموزان است. انواع انگیزه‌های ابزاری و سازگاری، همچنین انگیزه‌های بیرونی و درونی تأثیر مستقیمی بر یادگیری زبان دارند. تنها در مقاله شماره ۷۳ (ص ۳۴۷ تا ۳۵۲) به قلم هنینگ دوول (Henning Düwell) که درباره انواع زبان‌آموزان است، اشاره‌ای گذرا به فاکتورهای شخصیتی و تأثیر آن‌ها بر یادگیری زبان خارجی می‌شود. نویسنده این مقاله به سایر فاکتورها و عوامل غیر زبانی دخیل در فرایند یادگیری زبان، از جمله «آمادگی خطر کردن»، «برون‌گرایی و درون‌گرایی»، «جنسیت»، «نگرش» و «ترس و اضطراب» اشاره‌ای ندارد و حتی از معرفی انواع انگیزه‌ها نیز پرهیز می‌کند.

باید به این نکته اشاره کرد که محققان در مبحث عوامل شخصیتی میان گونه‌های مختلف انگیزه از جمله انگیزه ابزاری و سازگاری تفاوت قائل می‌شوند (ریمر ۷۵-۲۰۰۲:۷۲). ریمر معتقد است، انگیزه ابزاری در پی کاربرد عملی دانستنی‌های زبان خارجی است. به طور نمونه برای اهدافی همچون تحصیل و کار. از سوی دیگر انگیزه سازگاری انگیزه‌ی در ارتباط با علاقه و میل زبان‌آموز به کشور، فرهنگ و جامعه‌ی زبان مقصد تعریف می‌شود. دسته‌بندی دیگری نیز در بین وجود دارد که طبق آن انگیزه به دو شکل انگیزه درونی و بیرونی نمود پیدا می‌کند. ریمر در توضیح این تقسیم‌بندی اشاره دارد که انگیزه بیرونی محرک‌های خود را از محیط اطراف دریافت می‌کند. به طور نمونه از طریق هر نوع تشویقی از جمله دریافت نمره‌های خوب. اما انگیزه درونی از میل و علاقه به حل مسائل و انجام وظایف و شرایط مربوط به آن شکل می‌گیرد. به طور نمونه کنجکاوی، علاقه به موفقیت و تمایل به فعالیت. (ر.ک ریمر ۲۰۰۲)

گردآورندگان درسنامه آموزش زبان خارجی اگر حتی نمی‌خواستند در قالب یک فصل مجزا به این موضوع بپردازند، بهتر بود اگر مقاله‌ای در ارتباط با این موضوع و انواع

تفاوت‌های فردی در میان زبان‌آموزان زبان‌های خارجی در اثر حاضر جای می‌دادند. این مقاله می‌توانست در فصل G، در میان مقاله‌های شماره ۷۳ تا ۷۶، از ص ۳۴۷ تا ص ۳۶۵ کتاب قرار گیرد. اهمیت این موضوع از آن جایی است که عنوان و تاکید این فصل بر نقش و جایگاه ابعاد شخصیتی در یادگیری و آموزش زبان‌های خارجی است. یکی دیگر از اشکالاتی که می‌توان به کتاب حاضر وارد دانست، در مقاله شماره ۳، (ص ۱۹ تا ۲۵) قابل مشاهده است. نویسنده مقاله، رودیگر سیمارمن، (Rüdiger Zimmermann) موضوع زبانشناسی و ارتباط آن با یادگیری زبان خارجی را مطرح می‌سازد. وی در این مقاله برخی از شناخته‌شده‌ترین نظریه‌های زبانشناسی در دهه‌های اخیر میلادی را به اختصار معرفی می‌کند. و در انتهای مقاله سعی بر آن دارد تا جایگاه مباحث زبانشناختی را در یادگیری زبان خارجی تبیین کند.

آنچه به نظر نگارنده از دید نویسنده مقاله پنهان مانده است، موضوع رده‌شناسی زبان است که ارتباط آن با یادگیری زبان خارجی امروزه به یکی از موضوعات جدید و قابل توجه در میان پژوهشگران این حوزه درآمده است. رده‌شناسی زبان، یکی از انواع روش‌های توصیف و بررسی زبان‌هاست. بر اساس رده‌شناسی زبان، زبان‌های دنیا نه از جهت نزدیکی‌های جغرافیایی و خویشاوندی، بلکه بر اساس اشتراکات دستوری دسته‌بندی می‌شوند (Roelcke, 1997: 11). نتایج حاصل از پژوهش‌های رده‌شناختی که بر پایه الگوهای دستوری و جهانی‌های زبان است، می‌تواند در خدمت روش‌های آموزش زبان خارجی نیز قرار گیرد. زیرا که بخشی از اشتباهاتی که زبان‌آموزان به هنگام به کارگیری زبان خارجی انجام می‌دهند، ریشه در زبان مادری آنان دارد (Edmondson/House, 2000:116). مقایسه رده‌شناختی زبان مادری با زبان خارجی در حال یادگیری، بسیاری از سئوالات مربوط به این بخش را پاسخ خواهد داد. جاداشت که این موضوع در قالب مقاله‌ای جداگانه در فصل نخست اثر حاضر قرار گیرد و یا از سوی نویسنده مقاله شماره ۳، اشاره‌ای به این موضوع شود.

باید به عنوان نکته‌ای منفی در کتاب حاضر، عدم توجه به موضوعاتی همچون آشنایی با کشورهای آلمانی زبان و فرهنگ آن کشورها (کشورشناسی / Landeskunde) را نیز یادآور شد که متأسفانه جای آن در اثر حاضر خالی است.

۳. نتیجه‌گیری

هرچند در کتاب درسنامه آموزش زبان‌های خارجی به موضوعات جدید و متنوعی از سوی نویسندگان برجسته این حوزه پرداخته شده است، اما جستار حاضر نشان داد که برخی از بحث‌های مهم و به روز در حوزه آموزش زبان خارجی می‌توانند در چاپ‌های بعدی کتاب به موضوعات اضافه شوند. از جمله به موضوع تفاوت‌های فردی و تاثیر و ارتباط آن با یادگیری زبان خارجی اشاره شد که در اثر حاضر توجه‌ای به آن نشده است. همچنین موضوع رده‌شناسی زبان که در دهه‌های اخیر به یکی از موضوعات جالب در پژوهش‌های زبانشناختی تبدیل شده و ارتباط آن با آموزش زبان هر روز بیشتر مورد تاکید قرار می‌گیرد، مورد توجه گردآورندگان کتاب قرار نگرفته است. همچنین موضوعاتی نظیر آشنایی با کشورهای آلمانی زبان و اهمیت آن در آموزش زبان آلمانی نیز می‌توانست بر غنای اثر حاضر بیافزاید. در ارتباط با جنبه‌های ساختاری و ظاهری کتاب نیز اشاره شد که بهتر است فصل‌های مرتبط با تاریخچه آموزش و تدریس زبان خارجی در بخش‌های ابتدایی کتاب قرار گیرد. علاوه بر این، ارائه جمع‌بندی و خلاصه‌ای از موضوعات مطرح‌شده در هر فصل، می‌تواند خوانندگان را در مطالعه هر چه بهتر مطالب درسنامه یاری کند.

منابع

بهرامی، کاوه (۱۳۹۲). «نقش عوامل بیولوژیک و عامل انگیزه در یادگیری زبان خارجی»، *نقد زبان و ادبیات خارجی*، دوره هفتم، شماره ۱۱.

- Bausch, K.-R. / Christ, H. / Königs, F.G. / Krumm, H.-J. (Hrsg.) (1995). *Erwerb und Vermittlung von Wortschatz im Fremdsprachenunterricht. Arbeitspapiere der 15. Frühjahrskonferenz zur Erforschung des Fremdsprachenunterrichts*, Tübingen.
- Bausch, K.-R. / Christ, H. / Krumm, H.-J. (Hrsg.) (1990). *Die Ausbildung von Fremdsprachenlehrern: Gegenstand der Forschung. Arbeitspapiere der 10. Frühjahrskonferenz zur Erforschung des Fremdsprachenunterrichts*, Bochum.
- Bausch, K.-R. / Christ, H. / Krumm, H.-J. (Hrsg.) (2007). *Handbuch Fremdsprachenunterricht*, 5., unveränd. Auflage, Tübingen und Basel: Francke (UTB).

- Bausch, K.-R. / Königs, F. G. / Krumm, H.-J. (Hrsg.) (2004). *Mehrsprachigkeit im Fokus. Arbeitspapiere der 24. Frühjahrskonferenz zur Erforschung des Fremdsprachenunterrichts*, Tübingen: Gunter Narr Verlag.
- Edmondson, W. / House, J. (2000). *Einführung in die Sprachlehrforschung*, Tübingen/Basel: A. Francke Verlag.
- Krumm, Hans-Jürgen / Fandrych, Christian / Hufeisen, Britta / Riemer, Claudia (Hrsg.) (2010). *Deutsch als Fremd- und Zweitsprache. Ein internationales Handbuch*, 2. und vollständig überarbeitete und neu zusammengestellte Auflage, Berlin/New York: de Gruyter.
- Riemer, Claudia (2002). «Wie lernt man Sprachen?». *Neue Sprachen lehren und lernen. Fremdsprachenunterricht in der Weiterbildung (Reihe: Perspektive Praxis)*. Quetz, Jürgen & von der Handt, Gerhard (Hrsg.). Bielefeld: wbv-Verlag, 49–83.
- Riemer, Claudia (2006). «Individuelle Unterschiede beim Fremdsprachenlernen: Der Lerner als „Einzelgänger“. Konsequenzen für die Theorie und Empirie des Lehrens und Lernens von Fremdsprachen». *Vom Lehren und Lernen fremder Sprachen. Eine vorläufige Bestandaufnahme*. Scherfer, P.; Wolff, D. (eds). Frankfurt a.M.: Peter Lang, 223-244.
- Roelcke, Thorsten (1997). *Sprachtypologie des Deutschen: historische, regionale und funktionale Variation*. Berlin [u.a.]: de Gruyter.